

روی خط خبر

منوچهر پوراحمد درگذشت

● منوچهر پوراحمد - تهیه‌کننده و کارگردان تلویزیون - بامداد روز گذشته، شنبه، ۳۰ دی‌ماه درگذشت. او برادر

کیومرث پوراحمد، کارگردان شناخته‌شده سینما و تلویزیون، بود که در سال‌های گذشته خودش هم در حوزه کارگردانی و تهیه‌کنندگی تلویزیون فعالیت داشت.

کیومرث پوراحمد در گفت‌وگویی با ایسنا، درگذشت برادرش را تایید کرده است. همچنین بر اساس پیگیری‌ها، پیکر مرحوم منوچهر پوراحمد در نجف‌آباد اصفهان به خاک سپرده می‌شود. «آخرین ستاره شب» از جمله سریال‌هایی است که ۲۳ سال قبل توسط منوچهر پوراحمد کارگردانی شد و روی آتَن رفت. داوود رشیدی، هما روستا و اکبر عبدی از جمله بازیگران این سریال بودند.

آیین رونمایی از کتاب‌های «هامون» و «آژانس شیشه‌ای» در خانه سینما

● گروه هنر، کتاب‌های «هامون» و «آژانس شیشه‌ای» از مجموعه «نقد سینمای ایران» نوشته سعید عقیقی با حضور خسرو دهقان، مهران کاشانی و امیرحسین

سیادت ساعت ۱۷ سه‌شنبه سوم بهمن ماه در تالار زندیاد سیف‌الله داد خانه سینما رونمایی خواهد شد. شرکت علاقمندان در این برنامه که با حضور عوامل فیلم‌ها برگزار می‌شود، آزاد است.

فیلم‌های قصیده گل‌مکانی ونرگس آبیار در جشنواره «سانتاباربارا»

● گروه هنر، فیلم‌های قصیده گل‌مکانی و نرگس آبیار به سی‌وسومین جشنواره جهانی فیلم «سانتاباربارا»ی آمریکا راه یافتند. به گزارش «پایگاه خبری فیلم کوتاه»، این جشنواره که جزه جشنواره‌های واجد شرایط اسکار است، در این دوره میزبان آثار دو سینماگر زن ایرانی است. فیلم کوتاه «آگهی فروش» ساخته قصیده گل‌مکانی و فیلم سینمایی «نفس» که کارگردانی نرگس آبیار به نمایندگی از ایران در جشنواره حضور دارند. فیلم کوتاه آگهی فروش پیش از این سیمرغ بلورین سی‌وینچمین جشنواره جهانی فجر را دریافت کرده است. ویلم دفو، بازیگر و فیلم‌ساز برجسته، امسال به سبب ایفای نقش در فیلم «پروژه فلوریدا» ساخته شان بیکر در جشنواره فیلم «سانتاباربارا» جایزه طلایه‌دار سینما را دریافت خواهد کرد. سی‌وسومین جشنواره جهانی فیلم «سانتاباربارا»ی آمریکا از ۳۱ ژانویه تا ۱۰ فوریه برگزار می‌شود.

باز خبر

درخواست از شهردار برای حفظ خانه نیما

● جمعی از اهل فرهنگ و هنر در نامه‌ای به شهردار تهران خواستار حفظ خانه «نیما یوشیج» (پدر شعر نو ایران) در تهران شدند. در متن این نامه آمده است:

«خانه‌ام ابری‌ست یکسره روی زمین ابری‌ست با آن... (نیما) جناب آقای محمدعلی نجفی شهردار ارجمند تهران خانه نیما یوشیج در تهران بخشی از میراث فرهنگی ایران معاصر است که با همه بی‌مهری‌ها، هنوز بر جای است. ما، اهل فرهنگ و هنر، از این بی‌مهری‌ها و نابسامانی‌ها - به‌ویژه خبرهای ناگوار اخیر و شرایط تأسف‌بار حاضر این خانه - آشفته و نگرانیم و از جناب‌عالی می‌خواهیم با خرید این خانه توسط شهرداری تهران و سامان‌دهی و تغییر کاربری به‌عنوان «خانه-موزه نیما یوشیج»، این اثر ملی، تاریخی و فرهنگی را از گزند باد و باران، و سایه‌گستری ابرهای سیاه ویرانی و بی‌سامانی حفظ کنید»

این نامه به امضای جمعی از اهل فرهنگ و هنر رسیده که از جمله آنها به این افراد می‌توان اشاره کرد: محمود دولت‌آبادی، جواد مجابی، رخشان بنی‌اعتماد، کیهان کلهر، سیدعلی صالحی، آیدین آغداشلو، فاطمه مقتداریا، حافظ موسوی، ابراهیم حقیقی، منیژه حکمت، احمد پوری، مرضیه برومند، مهتاب کرامتی، زردشت اخوان‌ثالث، تهمورس پورناظری، لیلی گلستان، کیومرث پوراحمد، حکمت‌الله ملاصالحی، رضا کینایان، محمود حسینی‌زاد، واهه آرنم، هدیه تهرانی، نادر مشایخی، باران کوثری، حبیب رضایی و ...

بهناز شیربانی: چندروزی است که از بستری‌شدن مسعود کیمیایی در بیمارستان و عمل جراحی که برایش اتفاق افتاده و شرایط جسمی این کارگردان پیش‌کسوت سینمای ایران، صحبت می‌شود. پولاد کیمیایی در گفت‌وگو با «شرق» از بهترشدن شرایط جسمی پدرش گفت و افزود: «مدتی پدرم کم‌رمدر شدیدی داشت و در این مدت متخصصان تلاش کردند تا شرایط جسمی پدر بهتر شود، اما در نهایت با زیادشدن درد، تصمیم گرفته شد که بهتر است عمل جراحی صورت بگیرد».

پولاد کیمیایی در گفت‌وگو با «شرق»:

حال پدرم بهتر است

او ادامه داد: «در ماه‌های گذشته پدر استرس زیادی داشت و ماجراهایی که در مورد فیلم اخیرش؛ «قاتل اهلی» داشت، فشار روحی سنگینی را متحمل شد و تحت فشار بود و در نهایت دکتر صمدیان که زحمت بسیاری برای درمان بیماری پدر کشید، تصمیم قطعی را درباره اینکه بهتر است پدر جراحی شود دادند و با اینکه عمل بسیار پریسکی به دلیل شرایط سنی و بیماری قلبی پدر بود، پذیرفتیم که این عمل انجام شود».کیمیایی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت:

ضرورت استیفای سهم تئاتر در بودجه شهرداری‌ها

گوی سبقت را ربوده‌اند



می‌آید تا مناسبات قدرت و اجتماع متوازن شده، ضمن طرح تمدن‌ناشه مطالبات تمام گروه‌های اجتماعی و الزام به پاسخ‌گویی تمامی دستگاه‌ها و ارانه اطلاعات شفاف، جامعه بر دولت نظارت کند. در غیاب تشکل‌ها یا قدرتمندنیودنشان و تا تحقق شرایط مطلوب، شفافیت و آگاهی‌رسانی می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی عمل کرده و از طریق کمک به توازن نیروهای اجتماعی و سیاسی، موجب اجماع، وحدت و مشارکت شده، مانع فساد شود.

این موضوعی تنها منحصr به جامعه ایران نیست و در قلب اروپا و آمریکا و دیگر جوامع مدعی هم پس از گذشت مدت‌ها از شکل‌گیری جوامع مدنی، هرجا نظارت و شفافیتی وجود نداشته، عموماً منجر به فساد و تباهی شده است.

بنابراین تا امکانی برای شفافیت و نظارت مهیا و فرواهم نباشد، بروز فساد همواره ممکن و محتمل است.

ارائه گزارش روز یکشنبه (۲۴ دی ۱۳۹۶) شهردار تهران درخصوص وضعیت تحویل و تحول شهرداری از دوره عملکرد ۱۲ ساله به دوره جدید، چون اقدام رئیس‌جمهور در اعلام عمومی و شفاف بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۷ یا تلاش برای اعمال شفافیت در شورای شهر تهران و... در جمله اقدامات اساسی و بسیارسیار مهمی است که جا دارد به‌سرعت به تمام دستگاه‌ها و مؤسسات و نهادهای سرایت کرده، گسترش پیدا کند.

واما...

بر اساس آنچه در رسانه‌ها آمده، گزارش سند تحول و تحول شهرداری تهران که در حوزه‌های مالی و اقتصاد شهری، برنامه‌ریزی، منابع انسانی، حمل‌ونقل، فنی و عمرانی، شهرسازی و معماری، اجتماعی و فرهنگی، خدمات شهری و محیط‌زیست تنظیم شده، برای نخستین‌بار تصویر دقیقی از چالش‌ها، بحران‌ها، آسیب‌ها و واقعیت‌های مدیریت ۱۲ ساله گذشته در ساختار شهرداری تهران را با رویکردی واقع‌بینانه، منصفانه و بدون اعمال سب‌وگیری‌های سیاسی ارائه کرده است که نمی‌توان

از برخی فرازهای آن چشم پوشید.

معاون اجتماعی شهردار تهران گذشته از معدود موارد مثبت، مانند توسعه فضاهای فرهنگی و اجتماعی، توسعه خطوط BRT، توسعه خطوط مترو، توسعه راه‌ها، بزرگراه‌ها، تونل‌ها و زیرساخت‌های شهری، به مجموعه موارد زیر اشاره و از جمله، نکته تأسف‌بار این گزارش را روند منفی همه شاخص‌های عملکردی برشمرده است: تنها بدهی ۵۲ هزار میلیاردتومانی به‌ارث‌مانده برای شهردار و شهرداری تهران عمق فاجعه را نشان می‌دهد، چراکه اگر میزان متوسط درآمد شهرداری در سالیان گذشته را ۱۶ هزار میلیارد تومان بدانیم (با مآخذ سال ۱۳۹۵) به این مفهوم است که آقای نجفی باید کل درآمدهای چهار سال آتی شهرداری تهران را برای دیون گذشته پرداخت کند. همچنین سهم درآمدهای پایدار از درآمدهای شهرداری تهران در یک دهه گذشته بین هفت تا ۲۵ درصد بوده است.

در زمینه نیروی انسانی، در یک بازه زمانی ۹ماهه (دی ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۳۹۶) ۱۲هزارو ۷۰۳ نفر به پرسنل شهرداری تهران اضافه شده است. از سال ۹۲ تا ۱۰۹،۹۵ هکتار از باغات تهران به مجتمع‌ها و برج‌های مسکونی تبدیل شد که بیشترین آن مربوط به منطقه یک (بیا حدود ۷۰ هکتار) بوده است.

علاوه بر این مصائب، جایگاه تهران در رتبه‌های بین‌المللی نیز نامناسب و نامطلوب است. تهران در شاخص رقابت‌پذیری در میان ۱۲۰ شهر جهان، حائز رتبه ۴۴ در شاخص زیست‌پذیری شهری و در میان ۷۰ کلان‌شهر جهان، حائز رتبه ۶۱ و در شاخص شهرهای پویا و در میان ۱۸۰ شهر جهان، رتبه ۱۶۱ را دارد.

در حوزه فرهنگی و اجتماعی از حاکمیت تفکر کمی‌گرایی، عدم‌ذربخشی و کارآمدی، رویکرد مناسبت‌گرایی و تبلیغ‌محوری، فقدان استنجام میان نهادهای مختلف فرهنگی و توجه ویژه به فعالیت‌های غیراثربخش می‌توان یاد کرد.

شهردار تهران راه سختی را در پیش دارد؛ حل

«خداراشکر عمل موفقیت‌آمیز بود و شرایط جسمی پدر بهتر است و به‌زودی از بیمارستان مرخص می‌شود. طبعاً با توجه به جراحی‌ای که پشت‌سر گذاشت نیاز است تا دوره‌ای استراحت مطلق و به‌دور از هرگونه فشار و استرس باشد تا ان‌شاءالله بهبودی کامل صورت بگیرد». پولاد کیمیایی این روزها در تدارک ساخت نخستین فیلم سینمایی بلند خود به نام «معکوس» است و فیلم‌برداری این فیلم سینمایی مدتی دیگر به پایان خواهد رسید.

ضرورت استیفای سهم تئاتر در بودجه شهرداری‌ها

گوی سبقت را ربوده‌اند

انبوهی از چالش‌ها و مشکلات، پرداخت بدهی‌های گذشته و پاسخ به انبوه مطالبات.

معاون اجتماعی شهرداری تهران از «روحانیت معزز، نخبانان، اصحاب قلم، رسانه‌ها و هنرمندان» دعوت کرده تا به مطالبات اساسی مردم نجیب و بافرهنگ شهر تهران بیش از گذشته توجه کرده و شورا، شهرداری و شهردار محترم تهران را در بیمودن راه دشوار پیش‌رو یاری کنند.

اما یک نکته بسیار جالب آنکه در گزارش ارائه‌شده از سوی نجفی به شورای شهر تهران، به‌صراحت افشا شده که قالیباف قراردادهای شهرداری با فردی در دانشگاه پلیس را خرج انتخابات کرده است. مثلاً در اواخر اسفند سال ۹۵ شهرداری با این شخص قراردادی را درخصوص «تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد» به مبلغ یک میلیارد تومان به امضا رسانده که شاید ارزش واقعی آن، حتی ۱۰ میلیون تومان هم نبوده است. آخرین پرداخت به این مؤسسه اول مرداد ۹۶ و پس از انتخابات بوده و ۸۵۰ میلیون تومان به این قرارداد پرداخت شده است.

یا یک قرارداد دیگر در تاریخ دوم مرداد ۹۶ به همین شخص منعقد شده که در همان روز قرارداد، پرداخت هم صورت گرفته است.

در این‌ دو قرارداد مجموعاً یک میلیارد و ۷۳۰ میلیون تومانی و از یک میلیارد و ۴۳۴ میلیون تومان پرداختی به‌حساب فرد مذکور، تنها ۱۷۳ میلیون تومان در حساب او مانده و مابقی از حساب او به یک حساب دیگر که متعلق به رئیس دفتر یکی از معاونان قبلی بوده، منتقل شده و این‌ پول نیز به شهادت آن رئیس دفتر خرج انتخابات شده است. همچنین فرد مذکور به‌صورت مکتوب اقرار کرده که از ۱۷۳ میلیون دریافتی، تنها ۲۰ میلیون به خودش تعلق گرفته و مابقی سهم دیگران بوده است، حتی موردی به‌مراتب کوچک‌تر از این در هر کجای جهان به یک رسوایی بزرگ و موجی از توجه مردم و رسانه‌ها مبدل می‌شود.

بیا این اظهارات که تکنسون از طرف هیچ‌کدام از طرفین تکذیب نشده، دروخ است یا حقیقت دارد که در هر دو صورت ضرورت داشت تا حداقل متهم به تشویش اذهان عمومی یا اختلاس احضار شود که متأسفانه چون بسیاری موارد از این دست، تا این لحظه و باوجود اعلام عمومی موضوع، خبر یا نشانه‌ای از هیچ اقدام قضائی منعکس نشده است. اما نکته مرتبط به بحث ما آنکه در ۱۲ سال گذشته از کل بودجه فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران و درحالی‌که ۶۴ درصد بودجه صرف برخی حمایت‌ها شده، تنها ۱۸درصد به فعالیت فرهنگی هنری (و-تازه آن هم نه صرفاً هنری) اختصاص یافته است.

سهم هنرها و از جمله تئاتر از این‌ ۱۸ درصد مشخص نیست که امید است اطلاعات بیشتری در این خصوص منتشر شود و حال که با انتشار چنین گزارش‌هایی امیدواری استقرار یک مدیریت علمی و به‌روز‌گسترش یافته است، سهم مناسب و تضییع‌شده تئاتر اعاده و احیا شود.

جشنواره سی‌وششم

بررسی نمایش‌های روزدوم

مفیستولی نامیرا

● **رضا آشفته:** در شب دوم نیز همچنان چندین اجرای درگیرکننده به صحنه رفت و نشان داد که ایرانیان اگر بخواهند می‌توانند تئاترهای درخورناملی را به صحنه بیاورند و این خود می‌تواند زیننده یک جشنواره بین‌المللی مانند تئاتر فجر باشد.

مفیستو: مفیستو نمایشی به قلم آرنی منوشکین فرانسوی و کارگردانی مسعود دلخواه، در ابتدا یک رمان - نوشته کلاوس مان آلمانی- بوده و به مسئله پیدایش هیتلر و فاشیسم می‌پردازد. اگر نفوذ سیاسی هیتلر در جهان را در برهم‌ریختگی نظم جهان و طبیعت برجستگی و چیرگی نیروی شر قلمداد کنیم، درواقع داریم بر چیرگی متافیزیکی شر تاکید می‌کنیم که افسون‌گرایانه و انکار با سحر و جادو زبان برکام مردم آلمان می‌خشکاند و از آنجا با بیان نکته کلیدی داشتن ژن برتر و آریایی‌بودن به دنبال تصاحب دنیا و تحت ستم قراردادن مابقی نژادها قد علم می‌کند که نوعی برخورد و بازتاب متافیزیکی را دارد تصویر و تصور می‌کند. بنابراین مبنای رمان نیز تأکیدش بر ساختاری ضدساختار خواهد بود که در آن چیدمان روایت‌هایی چنگدانه و به‌ظاهر پراکنده است که درواقع درهم گره می‌خورند برای اینکه بشود این شرارت و چیرگی ابلیس‌گون را در نافرمانی از خدای انسان و طبیعت به نمایش درآورد. در اینجا آزادی و اراده انسان است که خودمدارانه و خودخواهانه دست به گزشتی می‌زند که سال‌ها خون ملت‌ها را در شیشه می‌کند که برتری قومی را بر دیگر تبارها نمایان کند....

ماراساد: ماراساد، نوشته پیترو وایس همواره می‌تواند در جهان به‌عنوان اجرائی قابل‌تأمل تکرار شود و در ایران ما نیز خیلی‌ها آن را ترجمه و اجرا کرده‌اند و در جشنواره فجر عرفان ناظر آن را ترجمه و دراماتوزی کرده و ایمان اسکندری هم با نگاهی نوین آن را اجرا کرده است.طبق این فراداستان، در سال ۱۸۰۸ و در تیمارستان شارانتون پاریس، ساد در تیمارستان شارانتون در حال کارگردانی نمایشی به قلم خود به‌همراه بازیگرانی است که همگی از ساکنان تیمارستان هستند. موضوع نمایش لحظات پایانی زندگی ژان پل مارا ایکی از سه چهره اصلی انقلاب فرانسه از حزب ژاکوین‌ها) است که با ضربات دشنه دختر ۲۴ ساله‌ای به نام شارلوت کوردی از جناح ژیروندن‌ها، در حمام خائنه‌اش کشته می‌شود.گولمیه، مسئول تیمارستان (از پشتیبانان ناپلئون)، اجازه اجرای نمایش برای مردم را به ساد می‌دهد، اما همچنین همراه همسر و دخترش در حال کنترل و جلوگیری از ادای دیالوگ‌های نامربوط علیه حاکمیت ناپلئونی و ایده‌های بورژوازی و نیز حفظ نظم تیمارستان به شیوه خود است.همان‌طور که گفته شد، روال عادی این متن از حالت مستند بیرون می‌آید و در آن جنبه‌های درونی‌تر و روانی‌تر منظر قرار گرفته و این اجرا از حالت عینی و ملموس به حالت ذهنی و یفرنج تبدیل شده است و البته این روش تنها ایراد ندارد که بسیار هم می‌تواند مفید واقع شود که ضمن یادآوری ارائه یک فرم بتواند همان دلالت‌های سیاسی را به بیان دیگر ابراز کند و این شاید تنها دلیلی باشد که این دراماتوزی را قابل‌پذیرش می‌کند و شاید هم نمی‌توان از این جوهره ناب و افسوسگر دوری گزید و به‌هرتقدیر همچنان در آن روشی سیاسی برای بیان معضلات اساسی برای دگرگونی جامعه به نفع طبقه ستمدیدگان ملاحظه می‌شود؛ هرچند که از دوز حس‌اش کاسته شده است و در جاهایی همچنان حس می‌شود که هيجان و التهاب این دیوانگان به‌لحاظ منطقی و ضرورت متن پیترو وایس نمی‌توان از این جوهره ناب و افسوسگر دوری گزید و به‌هرتقدیر همچنان در آن روشی سیاسی برای بیان معضلات اساسی برای دگرگونی جامعه به نفع طبقه ستمدیدگان ملاحظه می‌شود؛ هرچند که از دوز حس‌اش کاسته شده است و در جاهایی همچنان حس می‌شود که هيجان و التهاب این دیوانگان به‌لحاظ منطقی و ضرورت متن پیترو وایس نمی‌تواند در اینجا نادیده انگاشته شده و این حضور می‌تواند ضریابهاگن مؤثر را در القای فضا ایجاد کند، اما فعلاً تصویرهایی هست و القائاتی که به‌واسطه بودن این تصویرها تداعی می‌شود و کنش‌ها نه عینی و ملموس که روالی شهودیت‌ر را می‌یابند، چنانچه شیوه‌مندی تئاتر شقاوت اتئون آرتو چنین مراتب و نشانه‌هایی را الزامی‌تر می‌داند تا اینکه کنش‌ها جنبه‌های واقعی‌تر و طبیعی‌تر به خود بگیرد. گنو: کار، سعید بهنام، یک پرفورمنس درباره مهاجرت است. «گنو» (Getto) محله ویژه یکی از اقلیت‌های دینی یا قومی است. این نام به قسمتی از شهر یا خیابان یا منطقه‌ای در بعضی نواحی اروپا اطلاق می‌شد، اما این نام‌گذاری، بعدها اساساً با محله‌های یهودی‌نشین در اروپا مرتبط شد که یهودیان در خلال قرون وسطا، طبق احکام قانونی به آنجا برده می‌شدند. گنو معمولاً به وسیله دیواری از بقیه شهر جدا می‌شد و یک دروازه یا بیشتر داشت که هنگام شب بسته می‌شد.هم‌اکنون نیز این وجه تسمیه محل شک است. گنو دارای دو معنی است: یکی عام و دیگری خاص. در این اجرا سعی شده بود که در صفاً آریایی یک گروه جوان در پشت یک سیم خاردار، ملال و مرارت ناشی از تبعیض و جداسازی انسان‌ها را به هر دلیلی آشکار کند و از کشورهایی نام برده می‌شد که به‌گونه‌ای شهروندانش دچار این‌گونه مهاجرت‌های اجباری‌اند و تحت شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنند؛ سوریه، ارتنره، بنگلادش، عراق، سربلانکا و... به‌هرروی، هنوز احساس می‌شود که با یک تمرین- اجرا مواجه هستیم و باید که درنگ دقیق‌تری برای درک این موقعیت انجام شود و اگر نشود، گنو نمی‌تواند ما را آگاه کند یا حس‌وحال دگرگون‌شونده‌ای را در اختیارمان بگذارد.